

نه حریفان چنگی به دل زدند نه ایران

# فرصت سوزی «فیفادی»

**کزارش**  
**دنیاحیدری**

فیفادی مهر ماه هم نتوانست انتظارات را برآورده کند چراکه ادامه همان مسیر پرابراد فیفادی‌های قبلی بود، درست همانند فیفادی شهرپور که سرو ته آن با حضور در تورنمنت سطح پایین کافا هم آمد؛ همان اندازه بی‌اثر و کم‌فایده، بی‌آنکه ردی از پیشرفت در عملکرد تیم‌ملی مشاهده نشود.

■ ■ ■

هدف از حضور در فیفادی‌ها قاعدتاً محک‌زدن تیم جهت مشخص شدن نقاط ضعف و قوت و رسیدن به آمادگی و هماهنگی ایده‌آل است آن هم برای حضوری پرقدرت در جام جهانی، اما وقتی نه فشاری در بازی‌های دوستانه مشاهده می‌شود و نه عملکرد تاکتیکی از تیم، چطور می‌توان انتظار پیشرفت داشت؟

قرار بود فیفادی مهرماه فرصتی باشد برای ارزیابی فنی تیم‌ملی، اما نه شاگردان قلعه‌نویی عملکرد قابل قبولی ارائه دادند که نشان از رشد و پیشرفت تیم داشته باشد و نه حریفان در سطحی بودند که بتوان گفت بازیکنان ایران محکی جدی خوردند! حتی در مصاف با روس‌ها که با شکست ایران به پایان رسید. فیفادی مهرماه می‌توانست چهاردهی متفاوت از فوتبال ایران را به نمایش بگذارد و محکی جدی برای شاگردان امیرقلعه‌نویی باشد، اگر انتخاب‌های آقایان از سر جبر نبود، اما به رغم بازی با نام‌های مختلف، دست آخر تیم‌ملی بعد از تورنمنت برانتقاد کافا برابر روسیه و تانزانیا به میدان رفت تا عملاً شاهد هیچ پیشرفت و اتفاق مثبتی نباشیم.

اما شاید نگران‌کننده‌ترین مسئله در فیفادی مهرماه، سردرگمی فنی تیم‌ملی بود. چه مقابل روسیه و چه تانزانیا، بی‌تردید لازمه موفقیت هر تیمی، داشتن برنامه تاکتیکی است اما در عین ناباوری ایران در هیچ یک از این دو دیدار مدل بازی روشنی نداشت، یعنی اصلاً مشخص نبود قرار است با پرس بالا بازی کند یا با مالکیت توپ یا ضدحمله و انتقال سریع. گاه با نیت مالکیت بازی را آغاز کرد و گاه با عقب‌نشینی و انتظار برای ضدحمله. برای نمونه مقابل روس‌ها دقایقی پرس کردیم اما خیلی زود عقب نشستیم. برابر تانزانیا هم که ظاهراً توپ را در اختیار داشتیم، گاه بی‌هدف سانتر می‌کردیم و گاه توپ را نگه می‌داشتیم و در واقع نه نظمی در جریان بازی وجود داشت و نه حتی ایده‌ای برای استفاده از فضا.

روس‌ها مدت‌ها به دلیل محرومیت، فرصت حضور در میادین بین‌المللی را نداشتند و با وجود برگزاری بازی‌های تدارکاتی پر تعداد، عمدتاً مقابل تیم‌های درجه ۲ و ۳ به میدان رفته بودند، با وجود این اما اشکالات متعدد تاکتیکی باعث شد ایران برابر روس‌ها نیز همانند مصاف با ازبک‌ها تن به شکست دهد، البته که نتیجه در بازی‌های دوستانه کمترین اهمیتی ندارد و هدف از برپایی این قسم دیدارها صرفاً ایجاد هماهنگی و آماده‌سازی است، اما هیچ هماهنگی‌ای در فیفادی مهرماه مشاهده نشد. در مصاف با روس‌ها

فاصله زیادی بین خط دفاع با هافبک‌ها وجود داشت و همین مسئله بازپس‌گیری توپ را دشوار و تقریباً غیرممکن کرده بود. از سوی دیگر وقتی هافبک‌ها در بازی‌سازی و جلو بردن تیم لگب بزنند، بازی در همان خط دفاعی متوقف می‌شود؛ همان نقطه‌ای که حریف به دنبال نتیجه‌گرفتن در آن است. نداشتن ریتم، ناهماهنگی در پرس، پاس‌های بی‌هدف، بدون تمرکز و نامطمئن از نیمه خودی، تلنگری برای بازیگری روند حرکتی میانه میدان تیم بود، البته به شرط آنکه امیرقلعه‌نویی هم آن را دیده باشد.

از سوی دیگر نداشتن برنامه تاکتیکی مشخص باعث شده بود بازیکنان باوجود دراختیار داشتن توپ، جای تدارک دیدن حمله، درگیر پاس‌های عرضی باشند، حال آنکه فوتبال در دنیا با سرعتی سرسام‌آور پیش نیست. استفاده از جوانان تاوان دارد و باید به آنها فرصت داده‌شدن داد، در حالی که در بازی‌های مقدماتی جام‌جهانی نیز این کار را نکردیم و همین‌حالا هم هواداران به راحتی می‌توانند ۸۰ درصد ترکیب اصلی‌مان در جام‌جهانی را پیش‌بینی کنند.

بارها تأکید کرده‌ام برای ما جام‌جهانی میدانی نیست که بتوانیم حمله کنیم، درحالی که ساختار دفاعی خوبی هم

می‌توانند حریفان‌شان را دچار استرس و سردرگمی کنند، اما تیم ملی در انتقال‌ها کند است و تانزانیا بارها از همین کندی استفاده کرد. همانطور که در مصاف با روس‌ها باوجود داشتن چند موقعیت، هر بار تصمیم آخر را اشتباه گرفت. درحالی که شاید اگر به جای تعلل در کسری از ثانیه تصمیم‌گیری می‌شد، شرایط تغییر می‌کرد. در کنار این کندی، بی‌برنامگی در ضدحمله‌ات نداشتن تمرکز در دفاع از ضدحمله‌ات حریف نیز اوضاع را وخیم‌تر می‌کند، البته که هنوز هم فرصت هست برای ایجاد هماهنگی و رسیدن به آمادگی لازم، اما به شرط تکرار مکرر اشتباهات از آنها در س بگیریم.

برای نمونه تیم ملی ایران سال‌هاست نمی‌تواند بعد از گل‌زدن، بازی را کنترل کند؛ مسئله‌ای که در مصاف با تانزانیا هم مشاهده شد. شاگردان قلعه‌نویی بعد از زدن گل دوم باید با حفظ توپ، جریان مسابقه را به دست می‌گرفتند اما انتخاب آنها عقب‌نشینی بود و همین مسئله به حریف اجازه داد صاحب توپ شود؛

ضعفی که نمی‌تواند به بازیکنان ارتباط داشته باشد، یک مقوله تاکتیکی است که نشان می‌دهد تمرین‌های مربوط به مدیریت ریتم بازی در اردوها جدی گرفته نمی‌شود، حال آنکه این مشکل برای دیروز و امروز نیست و تیم ملی ایران سال‌هاست در دقایق حساس، چه در برد و چه در فشار، فاقد ذهنیت تاکتیکی کنترل است، حال آنکه بازی با تیمی در سطح تانزانیا می‌توانست فرصت خوبی حداقل برای تمرین جهت برطرف کردن این ایراد قدیمی باشد اما در همین اندازه نیز از مصاف با تانزانیا استفاده نشد و تیم ملی فوتبال ایران با وجود پشت سر گذاشتن یک فیفادی دیگر همچنان با همان مسائل و مشکلات قبلی دست و پنجه نرم می‌کند؛ مشکلاتی که در بازی با روس‌ها آشکارا قابل مشاهده بود اما در مصاف با تانزانیا به دلیل ضعف حریف قابل پنهان.

ایران بازیکنان خوبی دارد که شاید به دلیل گذشت تنها چند هفته از شروع رقابت‌های لیگ در اقصی نقاط دنیا هنوز به مرز آمادگی کامل نرسیده باشند و

بتوانند این مشکل را در ادامه حل و فصل کنند اما اگر قرار است اوضاع تغییر کند، باید تصمیم آن از همین امروز گرفته شود. درست قبل از فیفادی بعدی که باز هم شاهد ناسامانی‌ها نباشیم، باید مدل بازی مشخص شود، چراکه تیم نمی‌تواند میان مالکیت و ضدحمله در رفت‌وبرگشت باشد. علاوه بر آن، قلعه‌نویی باید دنبال بازسازی میانه میدان باشد و با یک‌بازنگری، از نگرانی استفاده کند که علاوه بر تصمیم سریع، توان دادن پاس‌های عمقی بلند را داشته باشند. باید در عین حال که تمرین انتقال در دستور کار قرار می‌گیرد، بازیکنان توان خود را در انتقال توپ در فضا و زمان محدود نیز بالا ببرند و در نهایت تیم‌ملی باید با حریفانی بازی کند که بتوانند محک خوبی باشند. نه تیم‌هایی که سطح فشارشان حتی از لیگ ایران هم پایین‌تر است. در غیر اینصورت نه تنها نمی‌توان امیدیه به ارائه عملکردی قابل قبول در مرحله گروهبی جام‌جهانی و صعود از آن داشت که باید خود را آماده رقم خوردن هر نتیجه‌ای بکنیم.

**نگاه کارشناسان در گفت وگوا با «جوان» | شیوا نوروزی**

## ساز مخالف کادر فنی توهین به شعور مردم است

این رشته را به خطر می‌اندازد. باید چهار سال پیش جوان‌گرایی می‌کردیم که نکردیم، باید دو سال پیش در جام‌ملت‌های آسیا جوان‌گرایی می‌کردیم که متأسفانه این کار را نیز انجام ندادیم. اینکه در یک بازی از یکی دو بازیکن جوان استفاده شود، اسمش جوان‌گرایی نیست. استفاده از جوانان تاوان دارد و باید به آنها فرصت داده‌شدن داد، در حالی که در بازی‌های مقدماتی جام‌جهانی نیز این کار را نکردیم و همین‌حالا هم هواداران به راحتی می‌توانند ۸۰ درصد ترکیب اصلی‌مان در جام‌جهانی را پیش‌بینی کنند.

بارها تأکید کرده‌ام برای ما جام‌جهانی میدانی نیست که بتوانیم حمله کنیم، درحالی که ساختار دفاعی خوبی هم



نداریم. متناسب با قدرت حریفان باید بتوانیم مقابل‌شان دفاع کنیم. شاید مهاجمان دوسه فرصت هم به دست بیاورند و گلزنی کنند. در گذشته نیز همین تاکتیک را داشتیم و حداقل مقابل تیم‌های بزرگ به راحتی گل نمی‌خوردیم. الان وضعیت برعکس شده و تیم‌ملی به راحتی گل می‌خورد. قرار نیست در جام‌جهانی ۲۰ موقعیت گل به دست بیاوریم، مهم حفظ دروازه‌مان است. گل خوردن از آرژانتین در دقایق پایانی بازی، ساختار دفاعی قوی ما را ثابت می‌کرد و کی‌روش برای رسیدن به آن ساختار چند سال زحمت کشید. دفاع

همین بازیکنان فعلی تیم امیدوار است. در صورتی که به عقیده من با تلفیقی از جوان‌ترها می‌توان به میدان رفت. باید زودتر از اینها جوان‌گرایی می‌کردیم و جام‌جهانی میدانی نیست که از جوانان بی‌تجربه استفاده کنیم. همه دنیا بعد از اتمام جام‌جهانی کار تغییر نسل و جوان‌گرایی را استارت می‌زنند و چهار سال به جوان‌شان فرصت کسب تجربه می‌دهند تا در دوره بعد بازدهی لازم را داشته باشد. فوتبال‌مان نسبت به گذشته افت فاحشی داشته. تعداد لژیونرهای‌مان در تیم‌های بزرگ به حداقل رسیده است و خبری از پیشرفت نیست.



مجید جلالی

کارشناس فوتبال

دخیل هستند، به‌همین خاطر باید با همان دیدارهایی که برای‌مان مهیا می‌شود، کنار بایایم و با آن حریفان

بسازیم، البته این شرایط برای من تاریک ندارد، حتی بدتر از اینها را اواخر دهه ۶۰ زمانی‌که مرحوم دهداری سرمریبی تیم‌ملی بود، تجربه کردیم. به رغم شرایط موجود آن زمان تیم‌ملی برای مسابقات آماده شد و در رقابت شرکت کرد.

الان هم همان شرایط را داریم و همان وضعیت را تجربه می‌کنیم، البته دیدار با تیم‌ملی روسیه و تانزانیا را از انجام دادیم و سرمریبی تلاش کرد از نیروهای جوان و تازه‌نفس در این دو بازی استفاده کند؛ با حضور آنها در زمین کادرفنی توانست این بازیکنان را محک بزند و از آنها شناخت پیدا کند. از

این لحاظ دوبازی اخیر برای تیم‌ملی بد نبود و بازیکنان نسل جدید فرصت بازی پیدا کردند، حتی می‌شد از این جوان‌ها زودتر استفاده کرد و در این صورت بیشتر به کار تیم‌ملی می‌آمدند. بالاینکه کمی درد شده ولی باز هم می‌توان روی نیروی جوانی آنها حساب کرد. از طرفی بازیکنان جوان زمان زیادی برای عرض‌اندام پیش‌رو ندارند و قرار است در بزرگ‌ترین رویداد فوتبال جهان شرکت کنیم. با در نظر گرفتن وضعیت موجود باید همه احتمالات و چالش‌های جام‌جهانی را از هم‌کنون پیش‌بینی کنیم.



نگاه

### قلعه‌نویی باید تغییر را بپذیرد

■ **فریدون حسن**

تیم ملی فوتبال ایران به عنوان یکی از اولین تیم‌های صعودکننده به جام جهانی ۲۰۲۶ پا کادر فنی ایرانی کاری بزرگ انجام داد. اینکه بخوایم این کار بزرگ را زیر سؤال ببریم هم از انصاف به دور است و هم اینکه منطقی نیست. ایران تیمی آسیایی است و بالطبع برای صعود به جام جهانی باید به مصاف رقبای آسیایی خود برود، پس مقایسه نحوه صعود با تیم‌هایی از قاره دیگر کاملاً اشتباه است. ضمن اینکه باید توجه داشت در همین قاره آسیا تیم‌های مدعی و بزرگی چون عربستان، قطر و حتی استرالیا کارشان مقابل دیگر آسیایی‌ها گره خورده، به گونه‌ای که برخی از صعود مستقیم بازماندند ولی ایران با هدایت کادر فنی تیم ملی ایرانی صعودی مقتدرانه و زودهنگام داشت.

با این مقدمه کوتاه می‌توان به این نتیجه رسید که تیم ملی می‌تواند خیلی بهتر از روند فعلی کسب نتیجه کند، به شرط آنکه خودش را از اسید جدا کند. مسابقات مقدماتی تمام شد و تیم باید خود را آماده رویارویی با تیم‌هایی از قاره‌های دیگر کند؛ رقبایی که هم سطح فوتبال آنها و هم نوع فوتبال‌شان کاملاً با تیم‌های آسیایی متفاوت است. خب از آنچه تاکنون

مشاهده شده اینچنین برمی‌آید که تیم ملی فوتبال ایران در انجام این مهم با مشکل روبه‌رو است، یعنی نه می‌تواند حریف در خور توجهی پیدا کند و نه می‌تواند برنامه‌های فنی و تاکتیکی درستی به نمایش بگذارد.

در مورد مشکل اول سال‌هاست که مسئولان فوتبال با بهانه نینماشده تحریم‌ها و عدم استقبال کشورهای مختلف از بازی با ایران از زیر بار مسئولیت‌شانه خالی می‌کنند و به جای تلاش برای برپایی بازی مناسب تدارکاتی حتی با مخارج بالا ترجیح می‌دهند پشت میزشان بنشینند و همان بهانه‌ای واهی را بیآورند البته پول بیت‌المال را در جاهای دیگر خرج کنند، در نهایت هم بروند سراغ چند تیم سطح پایین که با پیروزی مقابل آنها کارنامه مدیریت‌شان ضعیف نشود. طبیعی است که این مشکل تا زمان حضور چنین مدیرانی در سطح تصمیم‌گیری حرف زد اما در مورد کادر فنی تیم ملی باید اذعان داشت امیر قلعه‌نویی با وجود تمام تلاش‌ها و موقعیت‌هایی که تاکنون به دست آورده نیازمند تقویت است.

امیر قلعه‌نویی باید در رأس تیم ملی باقی بماند. او ما را به جام جهانی رسانده و سزاوار آن است که هدایت تیم ملی در جام جهانی را هم برعهده داشته باشد اما باید تقویت شود و این کار را باید خودش آغاز کند. قلعه‌نویی باید اول قبول کند که خودش نیازمند یک ریلگویی ذهنی و فنی است و بعد هم باید بدون تعصب بپذیرد که کادر فنی‌اش در حد جام جهانی نیستند. تیم ملی باید تغییر را از نیمکت خود شروع کند؛ تغییری که هرچند دیر است ولی می‌تواند مشکل را حل کند تا در فیفادی‌های بعدی شاهد نمایش بهتری از شاگردان قلعه‌نویی باشیم.

## روزهای سختی پیش‌روی فوتبال ماست

هر کاری که می‌خواستیم انجام دهیم باید شش ماه پیش انجام می‌دادیم و الان فقط باید به جام جهانی اندیشید. دیگر زمانی باقی نمانده و فیفادی‌ها محدود است. از این پس باید ترکیب اصلی تعیین شود، زوج‌های تیم مشخص شوند و به تیم‌ملی دیگه واد و نگرش بدهیم. به عقیده من الان باید شاکله اصلی تیم‌ملی باید مشخص شده باشد و دیگر نمی‌توان توقع استفاده از بازیکنان جدید را داشته باشیم. در عوض فعالیت هم‌زمان تیم‌های ب و امید با حضور جوانان، کمک‌حال تیم‌ملی بزرگسالان بعد از چالش بزرگ جام جهانی خواهد بود.

بازی تدارکاتی از اسمش مشخص است؛ نه شکست

در بازی تدارکاتی باید ویران‌مان کند و نه پیروزی مغرورمان سازد. فلسفه برگزاری دیدارهای دوستانه این است که تا حد ممکن کادرفنی نسبت به وضعیت تیم، توانایی‌ها، ضعف‌ها، ظرفیت‌ها و برنامه‌های آتی، اطلاعات و آگاهی پیدا کند. این اطلاعات باید ذخیره شوند تا در بازی اصلی به بهترین شکل به کارمان بیایند. باخت به روسیه و پیروزی برابر تانزانیا نه باید ناامیدمان کند نه خوشحال.

برای پیش‌بینی شرایط در جام جهانی و برنامه‌ریزی بهتر، ابتدا باید منظر برگزاری فرعه‌گشی و مشخص شدن حریفان‌مان باشیم. پس از آنکه

توقعاتی از تیم‌ملی داریم که همه آن متوجه تیم و کادرفنی فعلی نیست. خلأ تیم «ب» کاملاً احساس می‌شود و فوتبال ما نیز باید یک تیم‌ملی «ب» داشته باشد. علت نداشتن تیم مشخص نیست، درحالی‌که می‌توان همه این جوان‌ها را در قالب آن تیم به کار برد و هم‌زمان با فیفادی‌ها هم تیم ب و هم تیم امید می‌توانند فعال باشند. در این صورت سه تیم‌ملی خواهیم داشت تا جوانان زیادی در آن حضور داشته باشند، می‌توان برای تیم‌های ب و امید در فیفادی‌ها، تورنمنت‌های داخلی یا خارجی در نظر گرفت و برای‌شان برنامه‌ریزی داشت. این کار باید هم‌زمان با تیم‌لی بزرگسالان انجام شود. در این صورت می‌توانیم



بگوییم هر کدام از این جوان‌ها بتوانند خود را در تیم ب امید ثابت کنند، به تیم‌بزرگسالان راه خواهند یافت. حالا آن دو تیم را نداریم و نمی‌توانیم همه مشکلات را از چشم تیم بزرگسالان ببینیم، این کار را سخت خواهد کرد، حتی اگر بازیکن جوان در فهرست باشد و بازی هم کند، با هم میدان دادن به جوانان ریسک و چالش دارد. خیلی‌ها این ریسک را نمی‌پذیرند و حتی در لیگ برتر و باشگاه‌ها نیز خبری از جوان‌گرایی نیست. در لیگ یک و ۲ نیز همین شرایط حاکم است. درواقع بر میان حاضر نیستند روی شغل خود ریسک کنند.